

صغری ملکی

مدرس دانشگاه فرهنگیان
استان البرز، پردیس امیرکبیر

درس پژوهی معجزه می کند



کارورزی چهارم

آخرین کارورزی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان هم گذشت. چهار ترم با یک گروه از دانشجویان در درس کارورزی‌شان همراه و هم‌سفر بودم. دو سال متوالی با یک گروه بودن، آن هم در درسی که مادر برنامه‌های تربیت معلم خوانده می‌شود، سفری بسیار هیجان‌انگیز است. سفری از خامی به پختگی، با اشتیاق برای پختگی بیشتر؛ سفر بی‌تجربه‌هایی که کارورزی آن‌ها را مجرب‌تر می‌کند. سفری که از مشاهده تأملی شروع شد و با تأمل گروهی در قالب درس پژوهی به پایان رسید تا سرآغاز مسیری پژوهشگرانه و تأملی برای سی‌سال معلمی این دانشجویان باشد. در ابتدای کارورزی چهار (با محوریت درس پژوهی) واقعا نمی‌توانستم پیش‌بینی کنم درس پژوهی و یا پژوهش گروهی تا این حد می‌تواند در توسعه حرفه‌ای و پختگی دانشجویان معجزه‌گر باشد. دانشجویان به خواست خود هم گروهی‌هایی برای خود دست و پا کردند، درسی چالش‌برانگیز را، که معمولاً تدریسش با پیچیدگی‌های خاصی همراه است، انتخاب کردند و همدلانه و همراه، برایش طرح ریختند. طرح‌شان را با من نیز در میان گذاشتند و من هم کمی آن را صیقل دادم. همه اعضای گروه با هم کلاس می‌رفتند اما یک نفر از آن‌ها طرح را اجرا می‌کرد؛ بقیه مشاهده می‌کردند، مشاهده‌ای تأملی که از کارورزی یک آموخته بودند، مشاهده‌ای که نه در کارورزی یک و بقیه درس‌ها و ترم‌ها، که همواره حتی در سال‌های معلمی باید همراهشان باشد. آن‌ها سپس دور هم گرد می‌آمدند و اجرای خود را مورد تأمل و واکاوی مشارکتی قرار می‌دادند و با هم درباره آن گفت‌وگو می‌کردند، گاهی من نیز مشاهده‌گر اجرا و شرکت‌کننده در بحث‌هایشان بودم، اگر هم فرصت نمی‌شد در همه گروه‌ها مشارکت داشته باشم، فایل صوتی بحث‌ها و

کرد؟ آن‌ها که در دانشگاه آموخته‌اند باید تدریس و پژوهش را با هم داشته باشند، آیا به آموخته‌های خود وفادار خواهند ماند و یا مانند آنچه در مدارس مرسوم است درس پژوهی و اقدام پژوهی را برای جشنواره‌ها، مسابقات و امتیازات پایان سال خواهند خواست؟ این دانشجویان که این چنین همدلانه در کارورزی در جلسات تدریس هم حضور پیدا می‌کردند و یکدیگر را مورد نقد و انتقاد قرار می‌دادند آیا در محیط مدرسه اجازه خواهند داد همکارانشان از کلاسشان بازدید کنند و به نقد و بررسی تدریس‌شان بپردازند؟ اکثر معلمان فعلی مدارس عنوان می‌کنند دوست ندارند این اتفاق بیفتد چون همکاران خود را نه دست‌گیر که مچ‌گیر می‌دانند! آیا این معلمان جدید نیز همین احساس را پیدا خواهند کرد و یا اینکه با احساسی متفاوت پذیرای همکارانشان در کلاس‌های خود خواهند بود؟ آیا در صورت موجود بودن تمامی شرایط مطلوب روحی و روانی، مدیران مدرسه‌ها شرایط مناسب را برای این معلمان جوان آماده خواهند کرد؟ آیا اجازه بازدید از کلاس همدیگر را به آن‌ها خواهند داد یا با این بهانه که «کلاس‌ها بی‌معلم می‌شوند و سروصدای دانش‌آموزان مدرسه را پر می‌کند» قید هر گونه درس پژوهی را خواهند زد؟ به‌رحال امید است مدارس فردا مدارسی پر از درس پژوهی و معلمانی پژوهشگر باشد.

گفت‌وگوهای همه گروه‌ها را بلافاصله در همان روز گوش می‌دادم تا بدانم چه کرده‌اند. دانشجویان موظف بودند صدای گفت‌وگوهایشان را ضبط کنند و برای من بفرستند. چه ترم هیجان‌انگیزی بود! به غیر از یک گروه همه گروه‌ها مشتاقانه فعالیت کردند. واقعا رشد و توسعه در آن‌ها دیده می‌شد. درس پژوهی معجزه می‌کند. اصولاً کارهای گروهی و مشارکتی همواره با رشد و موفقیت همراه است. اساساً وقتی افراد با سطوح مختلف علمی و عملی در کنار هم قرار می‌گیرند می‌توانند موجب رشد یکدیگر شوند این اصلی است تأملی که در نظریه ویگوتسکی نیز با عنوان «منطقه تقریبی رشد» بیان شده است.

تجربه درس پژوهی در کارورزی تجربه‌ای بسیار مؤثر برای دانشجو معلمان است. دانشجویانی که باید در مدارس تحول‌آفرین باشند و بتوانند فرهنگی نو را به مدارس ببرند و آن را تبدیل به سازمان‌یادگیرنده نمایند. دانشجویانی که پژوهش و تدریس را همزمان دارند و برایشان پژوهش‌هایی مانند خودپژوهی، اقدام پژوهی، درس پژوهی و... از برنامه‌های اصلی است. حال سؤال و موضوع اساسی این است که آیا این دانشجویان می‌توانند فرهنگ مدارس را تغییر دهند و جای پژوهش را در مدرسه‌ها باز کنند یا اینکه در رخوت مدارس فرو خواهند رفت و فرهنگ دانشگاهی‌شان را فراموش خواهند